

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ
الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٤٧﴾

اعلامیه مطبوعاتی

تصامیم تازه رژیم یهود برای کوچ دادن مردم کرانه باختری؛ چه کسی مانع این فاجعه می شود؟!

(ترجمه)

در برابر مجموعه ای از تصمیم هایی که شورای وزارتی کوچک رژیم یهود اتخاذ کرده و وجود مردم فلسطین را بر سرزمین شان تهدید می کند، چنین آمده است که «شورای وزارتی کوچک اسرائیل (کابینه) بر تصمیم هایی صحنه گذاشته که روند شهرک سازی در کرانه باختری را شتاب می بخشد؛ از جمله برداشتن محدودیت ها در برابر فروش املاک فلسطینی به اسرائیلی ها، اجازه تخریب در مناطق تحت اداره فلسطینی ها، و نیز انتقال صلاحیت های برنامه ریزی در شهر الخلیل و پیرامون حرم ابراهیمی و بیت لحم به اسرائیل.» (الجزیره) در برابر این تصمیم ها، موضع تشکیلات خودگردان به چند بیانیه شجب و استنکار خلاصه می شود؛ چنان که خود تأکید کرده است این تصمیم ها «اجرای عملی طرح های الحاق و کوچ دادن بوده و با توافق نامه های امضا شده میان سازمان آزادی بخش و اسرائیل در تضاد قرار دارد.» (الجزیره نت)

بدین گونه، تشکیلات خودگردان می پذیرد که یهود، عهدها و توافقی را نقض می کنند که خود تشکیلات در آن ها از بیشتر فلسطین به سود آنان گذشت؛ اما با این همه، همچنان به همان توافقی چنگ می زند که هیچ دستاوردی برایش نداشت و آکنده از خیانت بزرگ بود. افزون بر آن، فساد کارگزارانش که بوی تعفن اش فضا را پر کرده، و خوردن اموال مردم فلسطین به ناحق، بر این خیانت افزوده است.

محکومیت های لفظی تشکیلات با کارنامه عملی اش تکذیب می شود؛ زیرا همان تشکیلاتی که اقدامات رژیم یهود را «الحاق و کوچ دادن» می نامد، خود با تصمیم های مالیاتی، جیبی و پولی، همسو با سیاست های فشار و خفقان اشغالگر، حلقه تنگن را بر گردن مردم فلسطین تنگ تر می کند. همین تشکیلات است که برای سومین بار به تغییر و تحریف نصاب های درسی دست می زند؛ به خواست رژیم یهود و اتحادیه اروپا، تا هیچ اثری از اسلام باقی نماند، نه یادی از سرزمین اسراء و معراج، و نه اشاره ای به نبرد با اشغالگری که زمین فتح شده مسلمانان را غصب کرده و با عقیده آنان گره خورده است. همین تشکیلات تا امروز، هماهنگی امنیتی را متوقف نکرده؛ هماهنگی ای که از آن بازوی امنیتی رژیم جنایت کار ساخته تا بر مردم فلسطین همان گونه بتازد که یهود می تازد. بدترین کارهایش شاید همین باشد که با قیمومیت فرانسوی و اروپایی، و با مشارکت نهادها و انجمن های مشکوک سکولار و فمینیستی، «قانون اساسی موقت»ی را تصویب کرده است؛ تحت نام از تشکیلات به دولت، در حالی که اسموتریچ هر روز آشکارا می گوید که من آن دولت را نه با شعار بلکه با تصامیم اجرایی و اقدام میدانی از میان می برم!

اما رژیم های حاکم در سرزمین های اسلامی — همان ها که غزه را به ترامپ فروختند و مردمش را به رژیم یهود سپردند — از آنان نیز چیزی جز محکومیت و ابراز نگرانی برنیاوده است. آنان تصمیم های رژیم یهود را «مغایر حقوق بین الملل» می خوانند؛ حقوقی که خود، مالکیت بخش اعظم فلسطین را به یهود بخشید. همین رژیم های خائن آن را پذیرفتند و بازنجیر آن، امت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را از آزادی فلسطین بازداشتند. در حالی که رژیم جنایت کار هیچ حقی برای مردم فلسطین بر سرزمین شان به رسمیت نمی شناسد. این رژیم ها همچنان بر «راه حل دو دولت» پافشاری می کنند؛ یعنی واگذاری بیشتر فلسطین به اشغالگر، بر پایه حقوق بین الملل و قطعنامه های سازمان ملل!

بدین گونه، مردم کرانه باختری نیز همان گونه قربانی می شوند که مردم غزه قربانی شدند، و همان گونه که مردم فلسطین در سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸ قربانی شدند؛ زیر سایه سازمان ملل و حقوق بین الملل؛ همان پوشش به اصطلاح «مشروع» که برای رژیم یهود نامشروع فراهم شد. مردمی که کشته می شوند، در حالی که تنها واژه های تندید و شجب از رژیم های نصیب شان می شود که خود نخستین توطئه گران علیه این سرزمین مبارک بودند و امت اسلام را از حرکت به سوی آن بازداشتند؛ حرکتی که اگر آزاد می بود، کار رژیم یهود را در یک روز پایان می داد.

تصمیم هایی که رژیم یهود گرفته، نهایت خطر را در خود دارد؛ زیرا شهرک نشینان را نه فقط در حاشیه ها، بلکه در قلب تجمع های مردم فلسطین جا می دهد. اجرای این تصمیم ها به طور طبیعی به درگیری های خونین می انجامد و در تجاوزهای بیشتر شهرک نشینان را می گشاید؛ چند برابر آنچه امروز جریان دارد، تا زندگی مردم

آنچه بر مردم فلسطین می‌رود—از فشار و ریشه‌کنی از سرزمین‌شان تا چنگ‌اندازی رژیم غاصب بر نفس‌ها، خانه‌ها و کشتزارها—با یاری تشکیلاتی پیش می‌رود که از روز نخست در آغوش آن افتاد و با پشتیبانی رژیم‌هایی که بقای خود را به بقای آن گره زده‌اند. همه این‌ها هیچ گزینه‌ای برای امت باقی نمی‌گذارد جز حرکت؛ زیرا تکیه بر «ایستادگی مردم فلسطین» یعنی امید بستن به ایستادگی قربانی در برابر قصابش. امید ما به الله سبحانه و تعالی، عزیز مقتدر، این است که سینه‌های صاحبان قدرت و شوکت در امت را بگشاید تا با پشتوانه خیزش توده‌های امت، صحنه را دگرگون کنند؛ میز را برگردانند و پیش از درهم‌کوبیدن خود رژیم یهود، حامیانش را سرنگون سازند. آنان اگر با الله سبحانه و تعالی صادق باشند، توان دگرگونی چهره جهان را دارند، نه فقط فلسطین را. امتی که از دل صحرا برخاست، سپس فارس و روم را گشود و جهان در برابرش سر فرود آورد، از آزادی فلسطین عاجز نیست؛ می‌تواند تاریخ را دوباره بنویسد تا زمین سراسر به دین الله سبحانه و تعالی درآید و بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم تحقق یابد:

«إِنَّ اللَّهَ زَوْي لِي الْأَرْضِ، فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا، وَإِنَّ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا» (رواه مسلم)

ترجمه: الله زمین را برایم گرد آورد، مشرق‌ها و مغرب‌هایش را دیدم، و فرمانروایی و سلطه امت من به اندازه آنچه برای من گرد آمده، گسترش خواهد یافت.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - فلسطین